

عوامل موثر بر چشم انداز روابط پاکستان و افغانستان

فرزاد رضائی بونش

کارشناس مسائل بین الملل

نخستین سفر آقای غنی به پاکستان از زمان رسیدن به ریاست جمهوری افغانستان صورت گرفت. غنی قبلاً به عربستان و چین رفته بود. در این میان حضور یک هیات دولتی پاکستان و دو هیات نظامی به افغانستان قبل از سفر غنی و سفر غنی به اسلام آباد این پرسش را ایجاد میکند که آیا دوران نوینی در روابط آغاز شده است؟

مقدمه:

روابط افغانستان با پاکستان از پر تنش ترین روابط دوره 13 ساله ی کرزای است. باوجود بیش از 20 بار سفر کرزی به پاکستان مناسبات همچنان پرفراز و نشیب و پرتنش بدون هیچ گونه تغییری ماند. به گونه ای که حامد کرزی در سخنان خود قبل از واگذاری قدرت پاکستان را به فقدان همکاری در زمینه تلاش برای بازگرداندن صلح به افغانستان متهم کرد.

نتایج سفر غنی به پاکستان:

حوزه اقتصادی: در واقع دولت وحدت ملی با توجه به وعده رهبران آن در مورد بهبود شرایط اقتصادی کشور رشد اقتصادی نگاهی نو به پاکستان دارند. در این بین پس از دیدار غنی از پاکستان وزیر اقتصاد دو کشور توافقنامه ای را مبنی بر دو برابر کردن میزان تجارت میان دو کشور تا سال 2017 میلادی (از 2.5 میلیارد دلار به 5 میلیارد دلار) و همچنین تسهیل پروتکل های گمرکی امضا کردند. در این راستا تاکید ها و توافقاتی در مورد پروژه انتقال برق و تجارت آسیای میانه به آسیای جنوبی و همچنین به پروژه های ترکمنستان- افغانستان- پاکستان- هند و گسترش روابط تجاری میان افغانستان و پاکستان، حل مشکلات تاجران افغان در زمینه صادرات، سهولت در ترانزیت و پروژه خط لوله گاز میان ترکمنستان- افغانستان- پاکستان و هند موسوم به تاپی صورت گرفت.

حوزه سیاسی و امنیتی:

محمد اشرف غنی پس از دیدار با نخست وزیر پاکستان گفت: شراکت با پاکستان، پایه مهم سیاست خارجی افغانستان است. در مقابل هم رهبران سیاسی پاکستان از انتقال مسالمت آمیز قدرت سیاسی در افغانستان استقبال و روابط نزدیک با افغانستان و همکاری های دوجانبه مبتنی بر اعتماد و احترام متقابل، را از اولویت های اصلی سیاست خارجی دانستند و اعلام کردند افغانستان باثبات و امن با منافع ملی آنان در تضاد قرار ندارد. در این بین اسلام آباد قول هایی را در مورد مذاکرات صلح با طالبان و کاهش تروریسم داد. با وجود این امر دسترسی به تغییر فوری روابط پاکستان با افغانستان سخت است و به عوامل گوناگونی وابسته است که در زیر مورد توجه قرار میگیرد.

نخست. سیاست های پاکستان در رابطه با منطقه و افغانستان در طول دهه ها برخاسته از منافع ملی آن کشور است. پاکستان در طول چهار دهه افغانستان را عمق استراتژیک خود دانسته در آن زمینه و فراز و فرودهای بسیاری را به خود دیده است. در این بین باید توجه داشت که ادعاهای سرزمینی متقابل گرداگرد خط دیورند بین افغانستان و پاکستان و (سرحد، بلوچستان، وزیرستان، کابل و جلال آباد و حتی آمو) عامل مهمی در تنش بوده است. در این بین اختلافات سرزمینی خود به حوزه های ژئوپلیتیکی، نامنی و رقابت های منطقه ای هم گره خورده است. چنانچه اکنون نیز خنثی نمودن ملی گرایی پشتونی افغانی از طریق سیاست ایجاد گروه های دست نشانده برای دستیابی به اهداف اسلام آباد همچنان مد نظر است. این رویکرد جدا از نفوذ بر افغانستان در جهت کاهش ادعای ارضی به نوعی کاهش نفوذ هند، ایران و امریکا در

افغانستان را پیگیری میکند. در شرایط کنونی نیز با توجه به کار آمدن حزب بهاراتیاجانا به رهبری مودی و ایدئولوژی ناسیونالیسم هندی پاکستان تلاش میکند این نفوذ ادامه داشته باشد.

دوم. از نگاه رهبران نظامی و سیاسی پاکستان افزایش نقش پاکستان در افغانستان جایگاه اسلام آباد را در سیاست خارجی آمریکا تقویت خواهد نمود. در این بین بین اسلام آباد اکنون تلاش میکند تا با توجه به طرح خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان و مذاکرات با طالبان کارت ها و اهرم های فشار خود علیه دولت مرکزی افغانستان و آمریکا در جهت دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی چون کمک های اقتصادی و نفوذ سیاسی استفاده کند.

سوم. هر چند اشرف غنی از راه عربستان (نخستین مقصد سفر خارجی خود) و چین تلاش کرده تا پاکستان را با اهداف خود هماهنگ کند و از طالبان دعوت کرده بود تا به مذاکرات سازش ملی افغانستان ملحق شوند و در این مسیر هم طالبان قطر و حزب اسلامی حکمتیار هم به مذاکره علاقمندی نشان داده اند. (در همین راستا کابل تلاش کرده نگاه ای اس آی را به این امر معطوف کند و این امر مورد حمایت رهبران سیاسی پاکستان هم قرار گرفته و نخست وزیر پاکستان متعهد شده تا از اقدامات برای به پای میز مذاکره کشاندن طالبان حمایت کند.) اما باید گفت حمایت پاکستان از روند آشتی ملی در افغانستان تنها از اهر سیاسیان نمیگذرد بلکه باید با نظامیان پاکستان هم مذاکره کرد. به عبارتی با توجه به وجود سه رکن سیاست گذار در پاکستان در مورد افغانستان (علماء، نظامیان و سیاستمداران) اینک همچنان برخی از رهبران مذهبی در پاکستان بر تداوم نفوذ و جنگ در افغانستان تاکید دارند و نظامیان و ای اس آی نیز به دنبال اهداف خود هستند. در این بین باید صلح از جانب نظامیان و سپس تندرو رهبران مذهبی پاکستان انجام گیرد نه از طرف دولت طرف نواز شریف. گذشته از این باید دید همچنان پاکستان از افغانستان قوی می هراسد یا نه. افغانستانی که بتواند مامنی برای بلوچها و پشتونهای مخالف باشد و به امنیت ملی پاکستان ضربه زند.

سوم. حکومت جدید وحدت ملی افغانستان تحت رهبری رییس جمهور اشرف غنی و عبدالله عبدالله، رییس اجرایی هنوز در حال گذار به شرایط تثبیت است و اهداف تعریف شده و تقسیم کار در میان گروه های مختلف درگیر به صورت روشنی مشخص نیست. در این بین گذشته اختلافات جدی عبدالله عبدالله با پاکستان و نوع اختیارات عبدالله بهبود روابط را با مشکل مواجه خواهد کرد. در واقع رهبران غیرپشتون افغانستان تردید هایی در مورد به اهداف و نیات پاکستان در افغانستان و احتمال وجود ارتباط میان دولت پاکستان با طالبان افغانستان و شبکه حقانی دارند و نوعی حس بی اعتمادی میان دو سو وجود دارد.

چهارم. در بعد دیگری مادامی که نیروهای آمریکایی در افغانستان حضور داشته باشند، طالبان هم به این مساله توجه خواهد کرد و اخیرا طالبان هم به صراحت اعلام کرده است تا زمان حضور نیروهای آمریکایی در افغانستان، به مبارزات خود ادامه خواهد داد و مذاکرات صلح معنا نخواهد داشت. در این بین افزایش حضور و نفوذ هند در افغانستان نیز دلیل دیگر نگرانی اسلام آباد. بنابراین اسلام آباد در شرایط کنونی تغییری جدی در مواضع خود نخواهد داشت.

نتیجه گیری:

آنچه مشخص است در واقع تغییر کلی استراتژی پاکستان به تغییر بنیادی در مناسبات هند و پاکستان و همچنین افغانستان و پاکستان وابسته و است. در واقع هنوز در افغانستان دیورند پذیرفته نشده است و هند و پاکستان نیز به عنوان دو رقیب منطقه ای، رقابت تنگاتنگی را در صحنه افغانستان دارند. در این بین اکنون پاکستان با چالشهای گوناگونی چون فشار هند، وضعیت بی ثبات داخل پاکستان، پیوستن تعدادی از طالبان به داعش و.. روبرو است اما تغییری در استراتژی اعمالی این کشور در افغانستان ایجاد نشده است. در این میان هر چند ممکن است در حوزه اقتصادی روابط دو جانبه کابل با اسلام آباد گسترده گردد و اسلام آباد تشویق ها و فشارهایی را برای کاهش تنش با افغانستان در حوزه منطقه ای حس کند، اما هنوز هم جاده صلح در افغانستان از بین نظامیان و سیاسیان پاکستان میگذرد و کارت طالبان به عنوان ابزار سیاست خارجی همچنان مد نظر است.